



Volume 2, Issue 3, 2022

Accused Defense Rights in the Light of Jurisprudential Standards and Judicial Directives

Mehdi Najafian Razavi¹, Abbas Sheykholeslami^{*2}, Haniyah Hojabr Sadati³

1. PhD Studentt, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 1-9

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-3975-6844

TELL: +989153148848

Email:

heikhholeslami.abbas.law@gmail.com

Article history:

Received: 02 Jun 2022

Revised: 12 Agu 2022

Accepted: 29 Agu 2022

Published online: 23 Sep 2022

Keywords:

Principle of Acquittal, Judicial Directive, Defense Rights, Jurisprudential Standards.

ABSTRACT

Nowadays, the defense rights of the accused as a balancing component of power in the parties of the criminal case have been more and more noticed by different criminal justice systems. Islamic criminal law includes the principles that guarantee the defense rights of the accused in the best way, and in short, either repels corruption from the accused or provides benefits to him. The findings from the descriptive-analytical study of the defense rights of the accused from the perspective of jurisprudence standards and judicial directives show that despite the standards such as the sanctity of blood, the lack of validity of confessions caused by torture, the legality of representation in all lawsuits, the legality of the defendant's silence against claiming man and rationally proving the necessity of explaining the charge to the accused in Imamiyya jurisprudence, in the judicial directives, the important defense rights of the accused have not been mentioned and special protective provisions have not been made. It is not established to guarantee the said rights. Lack of sufficient attention to guaranteeing the immunity of the accused from acts of torture, the general nature of the provisions governing the right to have a lawyer in the criminal proceedings, the lack of an explicit provision guaranteeing the right of the accused to remain silent, and the lack of a guarantee of sanctions about the right of the accused to explain the accusation are the most important lacks in the judicial directives related to the defendant's defense rights, which of course, in some cases, have legislative roots.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Najafian Razavi, M; Sheykholeslami, A & Hojabr Sadati, H (2022). "Accused Defense Rights in the Light of Jurisprudential Standards and Judicial Directives". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(3): 1-9.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

حقوق دفاعی متهم در پرتو موازین فقهی و بخشنامه‌های قضایی

مهدی نجفیان رضوی^۱، عباس شیخ الاسلامی^{۲*}، هانیه هزبر ساداتی^۳

۱. دانشجو دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

امروزه حقوق دفاعی متهم به‌مثابه یک مؤلفه متعادل کننده قدرت در طرفین دعوی کیفری، بیش از پیش مورد توجه نظام‌های مختلف عدالت کیفری واقع گردیده است. حقوق کیفری اسلام، دربردارنده اصولی است که حقوق دفاعی متهم را به بهترین شکل تضمین می‌نماید و به‌طور خلاصه یا مفسده‌ای را از متهم دفع می‌کند و یا مصالحی را متوجه وی می‌نماید. یافته‌های ناشی از مطالعه توصیفی - تحلیلی حقوق دفاعی متهم از منظر موازین فقهی و بخشنامه‌های قضایی نشان می‌دهد که با وجود موازینی همچون حرمت دم، عدم نفوذ اقرار ناشی از شکنجه، جواز وکالت در کلیه دعاوی، جواز سکوت مدعی علیه در برابر مدعی و اثبات عقلی ضرورت وجود تفهیم اتهام برای متهم در فقه امامیه، در بخشنامه‌های قضایی، التفات بایسته‌ای به اهم حقوق دفاعی متهم نشده و مقررات حمایتی ویژه‌ای به‌منظور تضمین حقوق مزبور وضع نگردیده است. عدم اهتمام کافی نسبت به تضمین مصونیت متهم از اعمال شکنجه، کلی بودن مقررات ناظر بر حق دارا بودن وکیل در فرآیند رسیدگی کیفری، فقدان مقرر صریح مبنی بر تضمین حق سکوت متهم و عدم وجود ضمانت اجرا در ارتباط با حق متهم مبنی بر تفهیم اتهام، از مهمترین کاستی‌های موجود در بخشنامه‌های قضایی در ارتباط با حقوق دفاعی متهم است که البته در برخی موارد، دارای ریشه‌های تقنینی نیز می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹-۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۸۴۴-۳۹۷۵-۰۰۳-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۵۳۱۴۸۸۴۸

ایمیل: sheikholeslami.abbas.law@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

اصل براءت، بخشنامه قضایی، حقوق دفاعی، موازین فقهی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

حقوق دفاعی متهم که امروزه به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر دادرسی منصفانه^۱ در قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی مطرح و مورد حمایت قرار گرفته است، به معنای مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که بر خلاف فرض براءت، علیه او مطرح شده است، در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند (حیدری، ۱۳۹۴: ۳۳)؛ به بیان ساده، حقوق دفاعی، مجموعه امتیازاتی است که مطابق آنها، برای متهم، امکان دفاع مؤثر در پروسه رسیدگی کیفری تضمین می‌شود (Cornou, 2008: 149). حقوق دفاعی متهم، به عنوان یک مبنا برای محاکمه منصفانه و همچنین عدم تعرض به فرض بیگناهی پیش‌بینی شده‌است و بنابراین، جزء حق‌های رویه‌ای^۲ قرار می‌گیرد.

از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تضمین حق دفاع متهم در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده و رعایت موازین فوق از سوی کشورهای که به آن ملحق شده‌اند، الزامی است (مهر و محمودیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۴۳). بر همین مبنا، امروزه حقوق دفاعی متهم به عنوان یک عامل متوازن‌کننده قدرت اصحاب دعوای کیفری، بیش از پیش مورد توجه نظام‌های مختلف عدالت کیفری قرار گرفته است.

۱ - در چارچوب آیین دادرسی کیفری، اصولی وجود دارند که با هدف ایجاد توازن و تعادل میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های فردی و رعایت تساوی اصحاب دعوی هم در اسناد بین‌المللی و هم در قوانین اساسی کشورها پیش‌بینی می‌شوند که با عنوان اصول دادرسی منصفانه در عرصه حقوق کیفری، مورد شناسایی قرار می‌گیرند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

۲ - حق را می‌توان به حق‌های رویه‌ای و ماهوی تقسیم کرد. حق‌های ماهوی همان حق‌های مندرج در نظام‌های حقوقی‌اند که به خودی خود متضمن ارزش برای صاحب حق بوده و تحت حمایت قانونی قرار دارند. در مقابل، حق‌های رویه‌ای آنهایی‌اند که در جهت حمایت و تحقق حق‌های ماهوی کاربرد دارند. به عبارت دیگر، حق‌های رویه‌ای از آن جهت واجد ارزش‌اند که برای تحقق و اعمال حق‌های ماهوی به کار می‌روند. ولی نقش آنها در راستای اعمال حق‌های ماهوی به حدی است که می‌توان ادعا کرد بدون آنها، حق‌های ماهوی تقریباً به صورت نوشته در قانون باقی خواهد ماند و قدرت بروز و ظهور نخواهد یافت (فرحبخش، ۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۱۸).

در نظام عدالت کیفری ایران نیز به موازات تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ و پذیرش اصول دادرسی منصفانه در موارد ۲ تا ۷ قانون مزبور،^۳ حقوق دفاعی متهم بیش از گذشته در کانون توجه قانونگذار کیفری کشور قرار گرفته است. با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش بر آن شدیم تا به‌منظور تعمیق مطالعات مرتبط با حقوق دفاعی متهم و ضرورت مبنایابی فقهی برای حقوق مزبور و تضمین آنها در عرصه اجرا، در دو بخش جداگانه، به تبیین و تحلیل جایگاه این حقوق در موازین فقهی و بخشنامه‌های قضایی بپردازیم.

۱- حقوق دفاعی متهم در پرتو موازین فقهی

نظام دادرسی اسلامی که بر پایه اصل کرامت و حرمت انسانی بنا شده است - به عنوان نظامی مستقل در کنار دیگر نظام‌های دادرسی - متضمن اصولی است که حقوق متهم را در حد اعلایش تضمین می‌کند که با مراجعه به دستورات قرآنی می‌بینیم که خداوند متعال، هدف از فرستادن پیامبران را اقامه قسط و عدل معرفی می‌کند. علاوه بر اصل کلی فوق، صحت این ادعا با رجوع به منابع اسلامی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) و سیره قضایی و کیفری امامان معصوم که در برخی موارد به صراحت به حقوق متهم اشاره دارند، امری قطعی و غیرقابل انکار است (براری لاریمی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۴).

حقوق متهم در نظام قانونگذاری اسلامی عبارت است از مجموع احکام و اصول شرعی از ناحیه شارع مقدس که مفسده‌ای را از کسی که فعل یا ترک فعل حرام مستوجب مجازات به او نسبت داده شده، دفع می‌کند و یا اینکه مصلحتی را متوجه او می‌سازد. دفع مفسده مانند عدم جواز شکنجه برای کسب اقرار و جلب مصلحت مانند حق دفاع یا اجرای اصل براءت در حق متهم (براری لاریمی و قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۶). در خصوص عدم جواز شکنجه برای کسب اقرار بایستی گفت که فقها (خویی، ۱۴۱۸:

۳- اصول مزبور عبارتند از: اصل قانونمندی دادرسی کیفری، برابری، استقلال و بی‌طرفی مرجع قضایی، لزوم تفهیم اتهام و حقوق افراد، رسیدگی در مهلت معقول و پرهیز از اطاله دادرسی، براءت، لزوم حضور وکیل و لزوم پاس‌داشت حقوق شهروندی افراد.

از دیگر ملزومات پای‌بندی به اصل برائت، لزوم تفهیم اتهام به متهم است (محمودی جانکی و جلیل پیران، ۱۴۰۰: ۳۱۸) که مبنای اصلی آن، تأمین حقوق دفاعی متهمان است (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳۲)؛ چراکه وی از این طریق، از موضوع اتهام علیه خود آگاه شده و این آگاهی به او این فرصت را می‌دهد تا امکانات دفاعی لازم در جهت رد اتهام‌های وارده را فراهم سازد (براری لاریمی و قبولی ژرفاشان، ۱۳۸۹: ۲۷). درباره حق تفهیم اتهام، در حقوق اسلام، به صراحت مطالبی از ناحیه فقها بیان نشده؛ زیرا آنچه که در آیین دادرسی اسلامی به خاطر تک مرحله‌ای بودن رسیدگی مرسوم می‌باشد این است که مدعی در نزد قاضی بر علیه مدعی‌علیه طرح دعوا می‌کند و موضوع و دلایل اتهام در همان جلسه رسیدگی در حضور مدعی‌علیه اعلام و ابلاغ می‌شود؛ اما ضرورت وجودی این حق برای متهم، در نزد عقل، امری ثابت است؛ زیرا تفهیم اتهام، مقدمه واجب برای ادامه دادرسی است و متهم فقط با آگاهی تام از آنچه که دانستن آن، حق مسلم او محسوب می‌شود، قادر به دفاع از خود خواهد بود. حال که مهمترین مصادیق حقوق دفاعی متهم (مصونیت از شکنجه و رفتارهای ایدایی، حق دارا بودن وکیل، حق سکوت و حق تفهیم اتهام) را در پرتو موازین و آموزه‌های فقهی، تبیین نمودیم، اینک به تبیین جایگاه حقوق مزبور در بخشنامه‌های قضایی می‌پردازیم.

۲- حقوق دفاعی متهم در پرتو بخشنامه‌های قضایی

در ارتباط با ممنوعیت شکنجه و رفتارهای ایدایی، اصل (۳۸) قانون اساسی مهمترین منبع حقوق ایران در زمینه منع شکنجه است. طبق این اصل «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». در جهت احترام به این اصل و تضمین اجرای آن، مقرراتی همچون مواد (۵۷۰) و (۵۷۸) ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ در قوانین

(۱۷۱/۶؛ حلی، ۱۴۱۵: ۶۱) در موارد گوناگون، به اصل اصله الحرمة فی الدماء (النفوس) و الاموال و الفروج استناد کرده‌اند. بر پایه این اصل، هرگونه تعرض، ایداء و شکنجه ممنوع و حرام است؛ مگر اینکه دلیل شرعی یقینی بر خروج از مقتضای اصل یافت شود (نوبهار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۶). علاوه بر این، بسیار از فقها (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۱۸؛ نجفی، ۱۳۹۷: ۲۸۰/۴۱؛ فاضل هندی، ۱۳۹۶: ۴۲۸/۲) صراحتاً اقرار ناشی از شکنجه را نافذ نمی‌دانند؛ چرا که باعث انتفای یکی از شرایط اساسی صحت اقرار (اختیار فرد مقرر) می‌گردد و صدور آن از ناحیه فرد، بدون قصد انشاء می‌باشد. در مورد حق دفاع که بارزترین مصداق آن حق برخورداری از وکیل می‌باشد نیز فقهای اسلام حق داشتن وکیل را در کلیه دعاوی کیفری و مدنی برای متهم جایز دانسته‌اند و حتی در برخی تألیفات حقوق اسلامی، عدم پذیرش وکیل در مرحله کشف و بازجویی و تحقیقات مقدماتی، خلاف مقتضای عدالت ذکر شده است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵).

در ارتباط با اجرای اصل برائت نیز بایستی گفت که یکی از ملزومات اجرای اصل مزبور در مورد متهم، پای‌بندی به حق سکوت وی می‌باشد. به بیان دیگر در صورت ایراد اتهام به یک شخص و با درنظر گرفتن اصل برائت، مشارالیه الزامی به دادن پاسخ به‌منظور دفاع از خویش ندارد؛ به همین نسبت، حق اجبار نمودن وی به دادن پاسخ به پرسش‌های مطروحه نیز از مقام قضایی و مقام تحقیق سلب خواهد گردید (حاجی ده آبادی و اکرمی سراب، ۱۳۸۹: ۳۶). در همین راستا، برخی فقها (شهید ثانی، ۱۳۹۹: ۸۲/۳) بر این اعتقادند که در صورت طرح دعوی مسموع از جانب مدعی، متهم این امکان را دارد که یا در قالب اقرار یا در قالب انکار و یا در قالب سکوت، واکنش خود را به اتهام مطروحه نشان دهد. علاوه بر این، قاعده فقهی «البینه علی من ادعی و الیمین علی من انکر» نیز می‌تواند به عنوان یکی دیگر از مبانی حق سکوت متهم در فرآیند دادرسی تلقی گردد، زیرا اصل در دعوی، این است که شخص مدعی بتواند ادعای خویش را ثابت کند و متهم می‌تواند سکوت اختیار کرده و از هرکمی به مدعی، استتکاف نماید (خزایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱).

۱ - ماده ۵۷۰: «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر

مراجع قضایی نیست. رفتارهای مذکور نسبت به افراد محکوم به حبس یا زندانی یا تبعید شده فراتر از حکم قضایی صادر شده، ممنوع و موجب مجازات است.

درخصوص حق بهره‌مندی از وکیل، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای نخستین بار، حق داشتن وکیل برای متهم را در فرآیند کشف جرم پیش‌بینی نمود؛ با وجود این، به موجب اصلاحات به عمل آمده در سال ۱۳۹۴، تبصره مزبور حذف و تبصره دیگری جایگزین آن شد. تبصره اصلاحی مقرر می‌دارد که «طرفین دعوی در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، وکلای خود را از بین وکلایی که مورد تأیید رئیس قوه قضاییه باشند، انتخاب می‌نمایند». یکی از ایرادات وارد بر ماده ۴۸، نظم ساختاری به منزله یکی از بایسته‌های قانونگذاری صحیح است. در ماده ذکر شده، این نظم، به دلیل مطابقت نداشتن موضوع تبصره با موضوع اصل ماده، رعایت نشده است. تبصره ماده ۴۸ درخصوص محدودیت‌های مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است؛ در حالی که موضوع ماده، درخصوص حق برخورداری متهم از وکیل در فرآیند «شروع تحت نظر» است. جایگاه تبصره مذکور در ذیل ماده (۱۹۰)^۳ صحیح به نظر می‌رسد؛ بدین ترتیب، ماده ۴۸ مشمول هیچکدام از محدودیت‌های ناظر بر تبصره مذکور نمی‌شود (مهرا و محمودیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۴۴). در سطح بخشنامه‌های قضایی، بند (الف) ماده ۱۲ بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص سند امنیت قضایی مصوب ۱۳۹۹/۰۶/۱۷ مقرر داشته است که «اشخاص حق دارند از بدو تا ختم فرآیند دادرسی در کلیه مراجع رسیدگی کننده اعم از مراجع قضایی و شبه قضایی آزادانه وکیل انتخاب کنند. تحمیل وکیل یا تحدید حق آزادی انتخاب وکیل ممنوع است». همچنین به موجب ماده ۵ آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰/۰۴/۰۲ رئیس قوه قضاییه «کلیه مراجع قضایی با رعایت قانون، مکلف به پذیرش وکیل هستند. سلب حق دسترسی به وکیل یا تحمیل وکیل یا تحدید حق آزادی انتخاب

عادی مقرر شده است. در سطح بخشنامه‌های قضایی، مطابق ماده ۸ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸/۰۴/۲۲ رئیس قوه قضائیه «در اجرای اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر رعایت اصل منع شکنجه برای أخذ اقرار، مراجع قضائی مکلف‌اند موارد زیر را رعایت کنند: الف- ممنوعیت صدور هرگونه دستور شفاهی یا کتبی خطاب به ضابطان دادگستری، متضمن استفاده از شیوه‌های غیرقانونی تحقیق که موجب آزار جسمی یا روحی و روانی متهم بازداشتی می‌شود؛ ب- استماع و مکتوب نمودن اظهارات متهم مدعی شکنجه جسمی یا روحی و روانی توسط معاون دادستان یا دادیار ناظر بر ضابطان دادگستری و عندالاقضاء معرفی متهم به پزشکی قانونی و ارسال گزارش برای دادستان». بدیهی است که درخصوص متخلفین از بند (الف)، «دادستان مکلف است نسبت به تعقیب کیفری مرتکب اعم از آمر و مأمور اقدام و گزارش مربوط را حسب مورد، برای دادرسی انتظامی قضات یا واحدهای نظارت و بازرسی مربوط به ضابطان دادگستری ارسال کند» (تبصره ۱). همچنین به موجب ماده ۲۰ بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص سند امنیت قضایی^۲ مصوب ۱۳۹۹/۰۶/۱۷، «مظلومان، متهمان، شهود و مطلعان به هیچ وجه نباید در معرض رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار بگیرند. هرگونه شکنجه جسمی یا روحی، اجبار به اقرار یا ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با توهین و تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و آزار جنسی یا هتک حیثیت و آبروی اشخاص مذکور از هر نوع و همچنین هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خود فرد یا خانواده و نزدیکان اشخاص فوق، در هر شرایطی مطلقاً ممنوع است و نتایج حاصل از آن نیز قابل استناد در

انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۱- ماده ۵۷۸: «هریک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیرقضائی دولتی، برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

۲- این بخشنامه، در اجرای بند «ب» ماده ۱۲۰ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ و به منظور تحقق اهداف بندهای ۶۵، ۶۶ و ۶۷ سیاست‌های کلی قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۴، از سوی رئیس قوه قضاییه در ۳۷ ماده ابلاغ شد.

۳- ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...».

۱۳۹۹/۰۶/۱۷ نیز قابل ملاحظه است که با وجود فرض عدم مسؤولیت کیفری بر مبنای اصل براءت در ماده (۱۹)^۲، بازهم به حق سکوت متهم، هیچ اشاره‌ای نگردیده است.

در مورد لزوم تفهیم اتهام به متهم، با وجود مقرره‌های قانونی همچون اصل (۳۲)^۳ قانون اساسی و ماده (۴۶)^۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در بخشنامه‌های قضایی، مقررات تفصیلی و حمایتی چندانی در این خصوص به چشم نمی‌خورد؛ تنها در ماده ۴ و بند (پ) ماده ۶ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸/۰۴/۲۲، به حق متهم بر تفهیم اتهام در اسرع وقت، به عنوان یک اصل لازم‌الرعايه در تمام مراحل و فرآیند رسیدگی اشاره شده است و در ماده ۵ دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت متهم مصوب ۱۳۹۸/۰۶/۲۴ رئیس قوه قضائیه نیز تفهیم اتهام به عنوان یک مبدأ برای تشکیل پرونده شخصیت متهم، محاسبه گردیده است. البته بایستی اذعان داشت که فقدان مقررات حمایتی و عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا در قبال عدم تفهیم اتهام و یا تأخیر در آن، منحصر به بخشنامه‌های قضایی نیست و در قوانین موضوعه نیز (با وجود پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری به طور عام

وکیل، به کلی ممنوع است». با توجه به تبعیت آیین‌نامه و بخشنامه از قانون مصوب، به نظر می‌رسد رعایت محدودیت‌های تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص انتخاب وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، کماکان الزامی است و کلی بودن مواد یک آیین‌نامه یا بخشنامه، مجوزی به منظور دور زدن تبصره اشاره شده، ایجاد نمی‌کند. در خصوص ضمانت اجرای سلب حق دارا بودن وکیل در فرآیند کیفری بالاخص در مرحله تحقیقات مقدماتی، در بخشنامه‌های قضایی، مقرره‌ای مورد اشاره واقع نگردیده است و بایستی به مقررره مندرج در تبصره (۱)^۱ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مراجعه نمود.

در ارتباط با حق سکوت متهم، ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صراحتاً مقرر نموده است که «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود». همانگونه که ملاحظه می‌شود، بر اساس این ماده، به متهم این اجازه داده شده است که از پاسخ به سؤال‌های مرتبط با کشف جرم و تعقیب متهم خودداری کند یا در صورت ارائه صورت مجلسی که اظهارات وی در آن مندرج است، از امضای آن، امتناع نماید. البته در ماده فوق، قانونگذار، الزام مقام قضایی یا ضابطین دادگستری مبنی بر اعلام حق سکوت به متهم را مقرر نداشته و ضمانت اجرای صریحی را نیز برای عدم رعایت حق سکوت و یا عدم تفهیم آن به متهم در نظر نگرفته است. در دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۸/۰۴/۲۲ با وجود تأکید بر اصل براءت به عنوان یک اصل لازم‌الرعايه در تمام مراحل و فرآیند رسیدگی، به حق سکوت متهم و حق امتناع وی از پاسخگویی به سؤالات مطروحه و امضای صورتجلسه حاوی اظهارات وی (به عنوان یکی از ملزومات پای بندی به اصل براءت)، اشاره‌ای نشده است. مشابه رویه مزبور، در بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص سند امنیت قضایی مصوب

۲ - ماده ۱۹ سند امنیت قضایی: «اصل، براءت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در مراجع صالح ثابت شود. بار اثبات اتهام بر عهده مدعی است، همه مقامات عمومی به ویژه ضابطان دادگستری، قضات دادرسی و قضات دادگاه‌ها، مکلفند مطابق اصل براءت، از پیش داوری درباره نتیجه محاکمه پرهیز کنند».

۳ - اصل ۳۲ قانون اساسی: «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود».

۴ - ماده ۴۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند». ماده مذکور تنها به تفهیم اتهام در جرایم مشهود و در صورتی که نگهداری شخص برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، اشاره دارد. درخصوص جرایم غیرمشهود نیز ضابطان مطابق با ماده ۶، مواجه با تکلیف آگاهاندن اتهام و دلایل آن هستند؛ زیرا ماده اخیر، حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن را محدود به فرآیند خاصی از دادرسی یا مقام خاصی نکرده است (مهر و محمودیان اصفهانی، ۱۳۹۶: ۴۷)؛ ازاین‌رو، ضابطان بر پایه مواد ۶ و ۴۶ به تفهیم اتهام و ادله آن به متهم (در جرایم مشهود و غیرمشهود) مکلف شده‌اند.

۱ - تبصره ۱ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲: «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است».

برای متخلفین از تفهیم اتهام در اصل ۳۲ قانون اساسی)، مقرر صریحی که به روشنی، تأخیر در تفهیم اتهام را قابل مجازات بداند، تاکنون به تصویب نرسیده است و رویه قضایی نیز در این خصوص، دستاوردی نداشته است (قدمیان شیخ آبادی، ۱۳۹۶: ۸۹).

نتیجه‌گیری

حقوق دفاعی متهم، ابزاری است که میان قدرت دو طرف دعوای کیفری (متهم از یکسو و بزه‌دیده و مدعی العموم از سوی دیگر) تعادل ایجاد نموده و به مثابه یک عامل مهم به‌منظور نیل به دادرسی منصفانه، ایفای نقش می‌نماید. نظام دادرسی اسلامی، یکی از نظام‌هایی است که همیشه نسبت به تضمین حقوق متهم، حساس بوده و از منابع چهارگانه آن (اعم از کتاب، سنت، اجماع و عقل) در باب این موضوع، موازین و مقررات متعددی قابل استخراج است.

به طور خلاصه، حقوق کیفری اسلام، مشتمل بر اصولی است که یا مفسده‌ای را از متهم دفع می‌کند و یا مصالحی را متوجه وی می‌نماید. مهمترین مصداق دفع مفسده از متهم در حقوق کیفری اسلام، عدم جواز (و بلکه حرمت) شکنجه متهم به‌منظور کسب اقرار است که موازین گوناگونی همچون اصل اصالة الحرمة فی الدماء و عدم نفوذ اقرار ناشی از شکنجه به دلیل فقدان قصد انشاء در این خصوص، قابلیت استناد دارند.

مهمترین مصادیق توجه به مصالح متهم در حقوق کیفری اسلام را نیز می‌توان در حق دفاع وی و نیز اجرای اصل برائت جستجو نمود. در مورد حق دفاع و بارزترین مصداق آن یعنی حق برخورداری از وکیل، عموم فقهای اسلام، حق داشتن وکیل را در کلیه دعوای (اعم از کیفری و مدنی) برای متهم جایز دانسته‌اند.

درخصوص اصل برائت که ملزوماتی همچون پذیرش حق سکوت متهم و لزوم تفهیم اتهام وی را در بر دارد نیز می‌توان به جایز بودن سکوت از جانب مدعی‌علیه در مقابل ادعای مدعی، قاعده معروف «البینه علی المدعی» و همچنین اثبات عقلی ضرورت وجود تفهیم اتهام برای متهم در فقه امامیه اشاره نمود. با وجود موازین اشاره شده - که می‌توانند یکی از

مبانی حقوق دفاعی متهم در قوانین موضوعه محسوب گردند - در عرصه عمل و اجرا و در سطح بخشنامه‌های قضایی، توجه کافی به حقوق دفاعی مزبور نشده و عموماً به کلی‌گویی و تکرار متون قانونی بسنده گردیده است. مطالعه مفاد بخشنامه‌های متعدد همچون دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضائیه، بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص سند امنیت قضایی، آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و دستورالعمل تشکیل پرونده شخصیت، نشان دهنده عدم اهتمام کافی بخشنامه‌های اشاره شده نسبت به تضمین مصونیت متهم از اعمال شکنجه، کلی بودن مقررات آنها درخصوص حق دارا بودن وکیل در فرآیند رسیدگی کیفری، فقدان مقرر صریح مبنی بر تضمین حق سکوت متهم و عدم وجود ضمانت اجرا در ارتباط با حق متهم مبنی بر تفهیم اتهام بوده و در برخی موارد، ریشه‌های تقنینی کاستی‌های اشاره شده نیز مشهود می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده دوم به عنوان نویسنده مسؤول، نویسنده نخست به عنوان همکار اصلی و نویسنده سوم نیز ناظر تحقیق می‌باشد.

تشکر و قدردانی: نویسندگان از همه بزرگوارانی که در ویرایش ادبی و نگارشی و همچنین صفحه‌آرایی این مقاله پژوهشی همیاری و راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و امتنان را دارند.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۹۹). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*. تصحیح و تعلیق حسن قاروبی تبریزی، جلد سوم، چاپ هفدهم، قم: انتشارات دارالتفسیر.

- طوسی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی.

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۳۹۶). *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*. جلد دوم، چاپ چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- فرحبخش، مجتبی (۱۳۸۵). «مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۶ و ۵۷: ۱۱۱-۱۳۶.

- قاسمی مقدم، حسن (۱۳۹۴). «تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تأکید بر قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲». *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۶ (۲): ۱۵۳-۱۲۹.

- قدمیان شیخ‌آبادی، عزت الله (۱۳۹۶). *تفهیم اتهام در دادرسی و آثار آن در نظام کیفری ایران و مقایسه با فرانسه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، نراق: دانشگاه آزاد اسلامی.

- محمودی جانکی، فیروز و جلیل پیران، علی اکبر (۱۴۰۰). «تفهیم اتهام در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر». *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۲ (۱): ۳۲۹-۳۱۳.

- مهرا، نسرین و محمودیان اصفهانی، کامران (۱۳۹۶). «الزامات حقوق بشری کشف جرم در نظام حقوقی ایران». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۷ (۲): ۳۵۶-۳۲۹.

- نجفی، شیخ محمد حسن بن باقر (۱۳۹۷). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد چهل و یکم، چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- نوبهار، رحیم؛ علیزاده طباطبایی، سیدحسین و آیتی، سید محمدرضا (۱۳۹۷). «ممنوعیت مطلق شکنجه: چشم‌اندازی اسلامی». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۱ (۸۱): ۱۹۰-۱۶۳.

- براری لاریمی، محمد و قبولی ذرافشان، سید محمد تقی (۱۳۸۹). «حقوق متهم با رویکردی فقهی». *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲ (۲): ۵۱-۲۳.

- جعفری، فریدون؛ موسوی، سیده رؤیا و اسلامی همدانی، امیر (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی حق برخورداری از وکیل در مرحله تعقیب در حقوق داخلی ایران و اسناد و رویه‌های محاکم کیفری بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۲۰ (۴): ۵۲-۲۵.

- حاجی ده آبادی، احمد و اکرمی سراب، روح الله (۱۳۸۹). «مبانی فقهی حق سکوت متهم در دعاوی جزایی». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۷ (۲۵): ۶۲-۳۵.

- حلی، حسین (۱۴۱۵). *بحوث فقهیه*. چاپ چهارم. قم: انتشارات مؤسسه المنار.

- حیدری، الهام (۱۳۹۴). «حقوق دفاعی متهم در «دوران تحت نظر» در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۷۱: ۵۲-۲۷.

- خزایی، احمدرضا؛ باقری‌پور، منصوره و صابری، نصرت الله (۱۳۹۸). «تحلیل فقهی و حقوقی سکوت متهم در فرآیند رسیدگی قضایی». *فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی*، ۱ (۲): ۱۷-۱.

- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸). *فقه الشیعه - کتاب الطهاره*. چاپ دوم. قم: انتشارات آفاق.

- رستمی، ولی؛ رستمی، سینا و کبگانی، محمد حسن (۱۳۹۹). «اساسی سازی اصول دادرسی کیفری: تحلیل تعارض‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با قانون اساسی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۴ (۱۱۲): ۱۵۵-۱۳۵.

- Cornu, G (2008). *Vocabulair Juridiaue*. 13th
ed. Paris: Droit et Science Politique.

ب. منابع انگلیسی